

### تالکوت پارسنز، تئوری ساز درمان ناپذیر

#### مقدمه

بر جامعه‌شناسی غرب، یا حداقل بر جامعه‌شناسی آمریکا، شبی سایه افکنده است. این شبخ از آن تالکوت پارسنز (T. Parsons)، نظریه پرداز معروف هاروارد است که او را بحق مارکس جامعه‌شناسی معاصر غرب نامیده‌اند. بدون القاء شبهه در همسانی این دو در عظمت فکر و جاودانگی تاریخی بین آنسان حداقل يك وجه تشابه جالب وجود دارد: همچنانکه دشمنان فکری مارکس قادر به نادیده گرفتن او نبوده‌اند، مخالفان پارسنز نیز تا کنون نتوانسته‌اند نسبت به او بی اعتنا بمانند. اینکه در برابر ناموس لایزال تنازع بقاء و بقای دنیای علم چه سر نوشتی در انتظار پارسنز است تاریخ داند. آنچه مسلم است اینست که او اینک بیش از بیست و پنجسال است که براریکه‌ی صدرنشینی در جامعه‌شناسی آمریکا تکیه زده و دوست و دشمن را به خود مشغول داشته است. مفاهیم ابداعی و قالب‌های نظری او چنان تأثیری حتی در علوم همجوار جامعه‌شناسی داشته است که يك دانشجوی متعصب علم سیاست با عصبانیت و بی‌اختیار روزی فریاد کشید که «چرا ما نتوانسته‌ایم پارسنزی برای خود خلق کنیم؟»

این مرد در دنیای علمی ما متأسفانه تا کنون ناشناخته مانده است. اینکه ما با افکار و زیربنای فکری او مخالف یا موافق باشیم بهیچوجه نمی‌تواند غفلت ما را توجیه کند. در سلسله مقالاتی که اینک عرضه می‌شود سعی خواهد شد که چیکده افکار و نظریات او برای دانش پژوهان فارسی زبان منتشر شود. شاید این مقدمه‌ای باشد برای نقد و تحلیل و بحث تفصیلی افکار او در فرصت‌های بعدی.

#### زندگی و آثار پارسنز

تالکوت پارسنز، استاد و رئیس سابق دپارتمان «روابط اجتماعی» دانشگاه هاروارد و رئیس پیشین انجمن جامعه‌شناسان آمریکا، در ۱۹۰۲ در ایالت کلورادو

به دنیا آمد. پدرش یک کشیش پروتستان بود که زبان انگلیسی هم درس می‌داد و بعدها رئیس یک کالج شد. در هجده سالگی پارسنز وارد مدرسه امهرست (Amherst College)، که از کالجهای پسرانه و اشرافی ماساچوست بود، شد و ظاهراً با علاقه‌ای که به رشته پزشکی داشت به تحصیل در رشته زیست‌شناسی (که مقدمه‌ای برای تحصیلات پزشکی بود) پرداخت. ولی برخورد با استادان مختلف در جریان تحصیل تغییری در علاقه پارسنز جوان بوجود آورد و او به سوی علوم اجتماعی تغییر جهت داد، و در نتیجه، بلافاصله پس از اتمام دوره لیسانس در ۱۹۲۴، او به‌هواي تلمذ در محضر استادانی بنام مانند مالی‌نوفسکی مردم‌شناس و فونکسیونالیست معروف، هاب‌هاوس (L. T. Habhouse) استاد علم اقتصاد، و موریس گینزبرگ (M. Ginsberg) صاحب‌نظر در مؤسسات اقتصادی جوامع بدوی، راهی دانشگاه مشهور «مدرسه‌ی علم اقتصاد لندن» شد و به تحصیل جامعه‌شناسی پرداخت. او یک سال بعد با استفاده از یک بورس تحصیلی به آلمان رفت و سال تحصیلی ۱۹۲۵-۱۹۲۶ را در دانشگاه هایدلبرگ گذراند. این‌جا سرزمین مارکس و زومبارت (Sombart) بود و جو علمی آن تحت نفوذ مطلق ماکس وبر جامعه‌شناس نامی آلمان. در این دوره بود که پارسنز ضمن آشنا شدن با سنت جامعه‌شناسی آلمان تحت تأثیر شدید ماکس وبر قرار گرفت و، بطوریکه از آثار او پیداست، این امر بیش از هر مورد دیگر در شکل بخشیدن به شخصیت علمی او مؤثر بود. اولین نتیجه این امر این بود که پارسنز رساله‌ی دکترای خود را تحت عنوان «بررسی مفهوم سرمایه‌داری در آثار علمای اجتماعی آلمان» با تکیه بر مارکس و ماکس وبر و زومبارت برگزید. در پایان سال برای تدریس و اتمام رساله خود به امهرست رفت و پس از یک سال به هایدلبرگ برگشت و درجه دکترای خود را دریافت کرد. او در همان سال به عنوان مربی در دپارتمان اقتصاد دانشگاه هاروارد استخدام شد و چهار سال (۱۹۲۷-۱۹۳۱) در این سمت باقی بود. در این مدت او با استادانی بنام از قبیل شومپتر (J. Schumpeter) اقتصاددان، وایت‌هد (A. N. Whitehead) فیلسوف و ریاضیدان، هندرسن (L. J. Henderson) استاد بیوشیمی و فیلسوف اجتماعی آشنایی و تماس نزدیک یافت و این برخوردها، بطوریکه خودش گفته است، نقش مهمی در شکل دادن به زیربنای نظریه‌های او داشتند. در سال ۱۹۳۱ که پیترم سوروکین (P. Sorokin)، جامعه‌شناس روسی‌الاصل، دپارتمان جامعه‌شناسی هاروارد را تأسیس کرد، پارسنز نیز، بدعوت او به آنجا انتقال یافت. در سال ۱۹۴۴ پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری به درجه استادی ارتقاء یافت و دپارتمان «روابط اجتماعی» دانشگاه هاروارد را - که جانشین دپارتمان جامعه‌شناسی است - تأسیس کرد و خود اولین رئیس آنجا شد و هنوز هم استاد همین دپارتمان است. او در این مدت مشاغل متعددی به عنوان تدریس در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا و عضویت انجمنهای علمی داشته است که از آن جمله بوده است ریاست انجمن جامعه‌شناسان آمریکا.

صرف‌نظر از جنبه‌های کیفی، که موضوع بحث ماست، پارسنز در این مدت

از لحاظ کمی نیز خلافتی کم‌نظیر داشته است. از سال ۱۹۲۸ که او قسمتی از خلاصه رساله دکتری خود را به صورت مقاله‌ای انتشار داد،<sup>۱</sup> تا پایان سال ۱۹۶۵ که آمار نسبت دقیق‌تری از آثار او تا آن زمان در دست است،<sup>۲</sup> یکصدوسی و دو مقاله، چهار کتاب مستقل، چهار کتاب با همکاری دیگران، سه مجموعه از مقالات خود او، یک ترجمه (پروتستانیزم و سرمایه‌داری) از ماکس وبر، و بالاخره، یک مجموعه قطور حاوی منتخب آثار فلاسفه و متفکران اجتماعی قرون گذشته با همکاری ادوارد شیلز از او انتشار یافته است.

### مدل نظری تالکوت پارسنز

حال ببینیم که پارسنز چه می‌گوید و ثمره‌ی بیش از نیم قرن قلمفرسایی او چیست. چون آثار حجیم بزرگان اندیشه و قلم را از پیرایه‌های الفاظ و عبارات عاری کنیم می‌بینیم که عصاره همه گفتارشان یک قصه بیش نیست. مثلاً قصه‌ای که دورکیم عمری در پرداختن آن صرف کرد این بود: افراد به صورت گروهی زندگی می‌کنند، این گروه (یا جامعه) هرچند از افراد ساخته شده است دارای وجود و واقعیتی است بالذات و مستقل از اجزاء خود، و منشاء و عامل نهایی تمام رویدادها و اعمالی که ناگزیر در افراد و در زندگی جمعی آنها متجلی می‌گردد همان جمع است و لاغیر (این همان تز منطق الطیر عطار است منهای عرفان عطار و به اضافه‌ی یک مقدار شاخ و برگ تازه). گورویچ هم چنین تزی داشت و مارکس و ماکس وبر هم ... پارسنز هم تزی دارد.

در بررسی تز پارسنز چند نکته مقدماتی درخور توجه است: اول اینکه او چون تئوری سازی دارد، آنهم نه تئوری معقول و خدایسند و نزدیک به تجارب آدمهایی که روی این کره خاکی می‌زیند، بلکه «متاتئوری»، به قول یکی، «وایر-تئوری»، به قول دیگری. حتی مرتن، که شاگرد و دوست و هم‌مسلك و به عقیده بسیاری پمداز خود او اولین رجل جامعه‌شناسی آمریکاست، در دفاع ملتسمانه از اینکه بجای تئوری بلند پروازانه در جامعه‌شناسی باید فعلاً با تئوریهای زمینی‌تر و محدودتر ساخت، در مقابل پارسنز فریاد می‌کشد که «جامعه‌شناسی هنوز آماده

۱. این مقاله تحت عنوان «سرمایه‌داری در آثار معاصر آلمان: زومبارت و وبر» در دو بخش در مجله‌ی *Journal of Political Economy* انتشار یافت: اولی در ج ۳۵ (۱۹۲۸) ص ۶۴۱-۶۶۱ و دومی در ج ۳۷ (۱۹۲۹) ص ۳۱-۵۱.

۲. قسمت عمده این آمار در ذیل بعضی از نوشته‌های پارسنز وجود دارد. مثلاً در *Social Structure and Personality*, Free Press, New York, 1963, pp. 359-370. ویلیام میچل (William Mitchell) نیز که کتابی جالب در تشریح تئوریهای پارسنز نوشته است در ص ۱۹۲-۲۰۴ این آمار را تا سال ۱۹۶۶ با نقل قول از خود پارسنز تکمیل کرده است. ر. ک:

*Sociological Analysis of Politics: The Theories of Talcott Parsons*, Free Press, New Jersey, 1967.

اینشتین نیست، چون هنوز کپلر خود را نیافته است.<sup>۴</sup> پارسنز هم از عجز یا نخوت، بهرحال، در مقابل کسانی که او را به «بیماری نظریه‌پردازی» متهم می‌کنند، اعتراف می‌کند که «من یک تئوری‌ساز درمان‌ناپذیر هستم»<sup>۵</sup> و انصافاً هم چنین است. او کاخی رفیع از مفاهیم و الفاظ ابداع کرده است که تاکنون هیچ رهگذری نتوانسته است بدون تحیر و اعجاب از کنار آن بگذرد. در دنیایی که جامعه‌شناسی آن به «جنون کمیت‌گرایی»<sup>۵</sup> بوسیله مردی چون سوروکین متهم می‌شود، در آثار پارسنز اثری از تحقیقات آماری و ارقام و اعداد نیست و اگر گاهی به تجزیه و تحلیل موارد عینی، مانند حرفه پزشکی و نهضت نازیها و امثال آن می‌پردازد، صرفاً برای نشان دادن این است که تئوریهای او را می‌توان به داده‌ها و واقعیات عینی اطلاق کرد و تازه خود این کارهای او مرحله‌ها از نظایر متعارف آن، مثلاً اطلاق تئوری «گروه مرجع» بوسیله مرتن به داده‌های مربوط به سربازان آمریکائی<sup>۶</sup>، دور است.

نکته دوم کیفیت بیان پارسنز است. او هرچند بیش از یک سال در آلمان درس نخوانده است، ولی سبک نگارش او چنان مغلق و پیچیده و کلام او چنان ممل و ممتنع است که طرز بیان هگل و کانت و ماکس وبر را روسفید کرده است. اکثر منقدان این نقص را بزرگترین مانع اشاعه افکار و نظریه‌های پارسنز دانسته‌اند، و بطوریکه خواهیم دید، برای جبران همین نقیصه بوده است که دوستان و شاگردانش تاکنون دو کتاب مستقل در تشریح و تلخیص نظریه‌های او به زبانی که برای بندگان خدا قابل فهم باشد نگاشته‌اند.<sup>۷</sup>

نکته سوم درخور توجه در شناخت پارسنز موقعیت او در تصویر کلی تفکرات اجتماعی است. همچنانکه پارتو (V. Pareto) و موسکا (C. Mosca) را مارکس ایدئولوژی فاشیسم نامیده‌اند، پارسنز را باید مارکس یکی از مهمترین شعبات

۳. Robert K. Merton, *Social Theory and Social Structure*, Free Press, 1957. P. 7.

۴. ر. ک:

T. Parsons, *The Social System*, Free Press, Illinois 1951.

۵. ر. ک:

P. Sorokin, *Fads and Foibles in Modern Sociology*, Henry Regnery, Chicago, 1956, Chapter. 7.

۶. ر. ک. رابرت مرتن، همان کتاب، فصل ۸ و ۹.

۷. از این دو کتاب یکی به قلم رابرت میچل نامبرده است که بیشتر به تشریح تئوریهای پارسنز از نقطه نظر جامعه‌شناسی سیاسی پرداخته است و دیگری کتابی است که زیر نظر ماکس بلک (Max Black) استاد فلسفه و منطق دانشگاه کرنل تحت عنوان: *The Social Theories of Talcott Parsons*, Prentice-Hall, New Jersey, 1961.

منتشر شده است.

این کتاب شامل ۱۵ فصل است که آخرین مقاله آن را خود پارسنز نوشته است و شامل اظهارنظر او درباره دیگر مقالات نه‌گانه است که هریک را یکی از استادان رشته‌های فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی، علم سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی صنعتی و روانشناسی اجتماعی درباره تئوری‌های او نوشته‌اند.

فونکسیونالیزم خوانند. در حالیکه در جامعه‌شناسی معاصر مارکس سلطان نحله و مکتب اختلافی (Conflict School)، یعنی مکتبی که تضاد را مهمترین واقعیت جامعه می‌داند، می‌باشد تالکوت پارسنز صدرنشین مکتب مخالف آن یعنی مکتب اجماع (Consensus School) است که در آن مهمترین واقعیت جامعه انسانی توافق و تعادل و رضایت است. در حالیکه مکتب اول نظام اجتماعی را زنجیری برپای انسان می‌داند که باید با انقلاب و دگرگونی اصلاح شود، در مکتب دوم، حداقل در افراطی‌ترین شعب آن، نظام اجتماعی وسیله خیری است که خودخواهیهای انسان شرور را مهار می‌کند. با چنین تصور و برداشتی پیداست که نه در سیستم فکری پارسنز جایی اصیل برای تبیین تحولات اجتماعی هست و نه خود پارسنز را میانه و رفاقتی با مارکس - هرچند که او اخیراً در یکی از مقالات خود مارکس را بعنوان «یکی از بنیان‌گذاران و پیشروان» تئوری خود نامیده است.<sup>۸</sup>

با چنین زمینه فکری و سبکی او بیش از چهل سال سخنگوی نظریه‌ای بوده است که خود آنرا «تئوری رفتار» یا «تئوری ارادی رفتار» (voluntaristic theory of action) نامیده است. در مرکز این تئوری «فرد» (actor) به عنوان یک موجود اجتماعی یا عضوی از یک «جمع» است که او آن را نظام اجتماعی (social system) می‌نامد و هدف این تئوری تبیین رفتار اجتماعی است و تشریح و تبیین واقعتهای خود آن نظام اجتماعی. رفتار فرد مسلم است که قبل از هرچیز ریشه بیولوژیکی و زیستی دارد. از طرف دیگر، رفتار فرد در واقع جریان یک مقدار انرژی و به عبارت ساده‌تر، جهشی است از درون فرد به خارج که پارسنز آنرا وضع (situation) یا بطور خلاصه محیط (environment) می‌نامد. پس فرد را می‌توان به یک پروژکتور مانند کرد و رفتار او را به‌لیمان نور از داخل آن به نقطه‌ای در خارج (محیط). نکته‌ای که به این مسئله پیچیدگی خاص می‌بخشد این است که یکم: گرایش، «نوری» که از فرد ساطع می‌شود یک نوع نیست بلکه سه نوع است (ادراکی، عاطفی، تقویمی)؛ دوم «این گرایشهای سه‌گانه در فرد به‌عنوان یک ارگانیزم (غیراجتماعی) به‌صورت نیازهای خام‌اند و در جریان برخورد با محیط (جریان اجتماعی شدن) است که به‌صورت «نیازهای جهت یافته» (Need dispositions) درمی‌آیند. سوم، این محیط که محل رشد و ارضای این نیازهاست، واقعیت پیچیده‌ای است که حداقل از دو نظر قابل تجزیه است: الف) از لحاظ رابطه با رفتار محیط شامل سه بخش اساسی است: ۱) هدف (end)، یعنی نقطه و واقعیت مشخصی در محیط که از لحاظ ذهنی نقطه شروع و از لحاظ عینی نقطه پایان رفتار فرد است. ۲) وسیله (means)، یعنی قسمتی از محیط که در وصول به هدف مؤثر بوده و تحت کنترل عامل (actor) است. ۳) شرایط

۸. ر.ک. مقاله پارسنز در کتاب نامبرده، بک، ص ۳۶۱. در این قسمت از مقاله پارسنز نقش مارکس را در تکوین تئوری و جامعه‌شناسی علمی با دیگر نویسندگان قرن ۱۹ مقایسه می‌کند.

(Conditions)، یعنی آن قسمت از محیط که در وصول به‌هدف به‌نحوی از انحاء مؤثر بوده و در کنترل عامل نیست. این قسمت هم باز به‌دو قسمت هنجاری (normative) و غیرهنجاری یا شرطی (conditional) تقسیم می‌شود که اولی مصنوع خود انسانها است و در تکوین دومی انسانها نقشی ندارند. (ب) از لحاظ ذات خود، و صرف‌نظر از رابطه با رفتار هم محیط به‌سه قسمت قابل‌تجزیه است: محیط اجتماعی (انسانها) محیط فرهنگی (مصنوعات انسانها در طول زمان) و بالاخره محیط مادی یا فیزیکی. این يك قالب زیربنایی یا شالوده‌ای است که پارسنز آنرا «قالب رفتار» «Scheme of action» می‌نامد و تمام ثورهای او برآن بنا نهاده شده است. تکوین و ماهیت و تاریخچه‌ی تطور این ثوریه‌ها در قسمتهای بعدی به‌تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند. آنچه در پایان این بحث کلی درباره‌ی پارسنز لازم به‌نظر می‌رسد تأثیر و نفوذ او است. بطوریکه اشاره شد، او امروز بدون تردید معروفترین جامعه‌شناس آمریکاست و تأثیری فراوان نه‌فقط در جامعه‌شناسی بلکه بر دیگر علوم اجتماعی مانند علم سیاست و انسان‌شناسی، داشته است. هم‌اکنون يك کتاب در دوست صفحه بوسیله‌ی یکی از دانشجویان قدیمی او و يك کتاب دیگر بوسیله‌ی گروهی از استادان دانشگاههای مختلف در تشریح و ساده‌کردن نظریه‌های او انتشار یافته است. علاوه براین، حداقل سی جلد کتاب و بیش از بیست مقاله‌ی تحقیقی که جزئاً یا کلاً با الهام و استفاده از ثوریه‌ها و با اطلاق نظریه‌های او نگاشته شده است از علمای طراز اول جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علم سیاست، روانشناسی و روانکاوی وجود دارد و بیش از شصت کتاب و مقاله‌ی انتقادی در تجزیه و تحلیل ارزیابی نظریات او در دست است.<sup>۹</sup>

این جماعت - البته نیازی به‌ذکر نیست - درباره‌ی پارسنز نه‌یکدلند نه‌یکزبان. در يك سر این کاروان زوارکین (A. Zvarkine) اکادمیسین روسی و سوروکین<sup>۱۰</sup> و سی. رایت‌میلز (C. R. Mills) هستند که هر يك به‌دلایلی ثوریه‌های پارسنز را بی‌فایده و «آسمانخراش مبتنی بر تار عنکبوت» خوانده‌اند، و در سر دیگر آن شاگردان و عاشقان او که کوشیده‌اند با استفاده از ثوریه‌های او در بررسی وقایع عینی مفید بودن آن را ثابت کرده و بیشتر از خدمتی که رابرت میچل (R. Michels) با

۹. سوروکین را با پارسنز نقاری دیرینه بود و حتی از این اباء نداشت که بگوید پارسنز ایده‌های او را دزدیده است. البته این در دنیای علم تازه‌گی ندارد و جنگ بین موسکا و پارتو بر سر مالکیت تئوری نخبگان نیز از همین موارد بود. برای انتقادهای سوروکین از پارسنز ر. ک:

P. Sorokin, *Social Theories of Today*, Harper and Row, New York, 1966, PP. 403-444.

۱۰. برای اطلاع از فهرست و عناوین تفصیلی این کتاب و مقالات نگاه کنید به ص ۲۰۵-۲۱۲ کتاب نامبرده میچل.

نظریه «قانون آهنین بوروکراسی» به تئوری نخبگان سیاسی استادش موسکا کرد،<sup>۱۱</sup> به پارسنز خوش خدمتی کنند. باید دانست که اکثر اینان در قبای خود رجلی هستند و در فن و تخصص خود جزء صدرنشینان. از این گروه است کتاب قطور و ارزنده آلموند کولمن استادان بنام پسرینستن در جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم<sup>۱۲</sup>، کارلاگس در نظام قشریندی بین‌المللی<sup>۱۳</sup>، مطالعه کریتز در رابطه بین دین و نظام اجتماعی در جاوه<sup>۱۴</sup>، و تحقیق رابرت بلا درباره نقش دین در تحولات معاصر ژاپن<sup>۱۵</sup> و باز از همین سری است کتاب معروف نیل اسملسر در تجزیه و تحلیل انقلاب صنعت پنبه‌کاری انگلیس در قرن ۱۸ و کتاب او در رفتار جمعی<sup>۱۶</sup>،

۱۱. اظهارنظر پروفسور زوارکین در یک مقاله چاپ نشده آمده است که در قباستان ۱۹۶۵ (۹) هنگامی که به دعوت دانشگاه شیکاگو برای ایراد سخنرانی آنجا آمده بود، بین اعضای دپارتمان جامعه‌شناسی توزیع شد. اظهارنظر سی. رایت‌میلز در کتاب جالب و مشهور او آمده است:

*The Sociological Imagination*, Oxford University Press, New York, 1959.

این کتاب یکی از بهترین نمونه‌های یک سنت فکری در جامعه‌شناسی آمریکا است که تقریباً با رابرت لیند (Robert S. Lynd) و مخصوصاً در کتاب او، دانش برای چه (Knowledge for What?) در دهه ۱۹۳۰ آغاز شد و امروز هورویتز (Horowitz) و دیگران آن را دنبال می‌کنند. کار اینان را می‌توان نوعی «جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی» خواند که هدف آن انتقاد از رسالت و فلسفه و هدفی است که جامعه‌شناسی آمریکا برای خود برگزیده است. سی. رایت‌میلز، پارسنز را سمبل و عالیترین نمونه‌ی یک نوع از خود بیگانگی علمی می‌داند و معتقد است که بجای پرداختن به تئوریهای پوچ و خالی و دور از واقعیات زندگی لازم است، به فکر دمیدن روح و بینش جامعه‌شناسانه در دانشجویان خود باشیم. به همین منظور و برای مسخره کردن پارسنز، او قسمتهایی را از کتابهای او نقل و بعد به زبان ساده‌تری بقول خودش «ترجمه» می‌کند.

۱۲. این کتاب از سری کتابهایی است که «مرکز مطالعات بین‌المللی دانشگاه پسرینستن» زیر نظر گابریل آلموند (G. A. Almond) و جیمز کولمن (J. Coleman) و با همکاری چهار نفر با عنوان

*The Politics of Developing Areas*, Pinceton University Press, 1960.

در حدود ۶۰۰ صفحه منتشر کرده است. فصل اول آن یک چارچوب نظری فونکسیونالیستی است با الهام از تئوری پارسنز و در بقیه کتاب تحولات سیاسی آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی، آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین هر یک در یک فصل با مدلی که در فصل اول داده شده است مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱۳. لاگس اولین کسی است که کشورها و مخصوصاً جوامع جهان سوم را از نظر قشریندی بین‌المللی مطالعه کرده است. ر. ک.

G. Lagos, *International Stratification*, North Carolina University Press, 1963.

۱۴. ر. ک:

C. Creetz, *Religion of Java*, Free Press Company, New York, 1960.

۱۵. ر. ک:

R. Bellah *Takugawa Religion*, Free Press, New York, 1957.

۱۶. ر. ک:

N. Smelson, *Social Change in Industrial Revolution*, Chicago University Press, 1959; also *A Theory of Collective Behavior*, Free Press, New York, 1963.

بررسی ماریون لوی از انقلاب خانواده در چین، ۱۷ تحقیق درک‌مایر در سیستم قرابت هندوستان، ۱۸ بررسی رشد اقتصادی بوسیله هاوس‌لیتز ۱۹ و بالاخره، اثر بسیار ارزنده آیزنستاد در سیستمهای سیاسی و بوروکراسی جوامع بدوی و امپراطوریهای باستانی ۲۰.

این بود تصویری اجمالی از پارسنز که بسط و تشریح آنرا موکول می‌کنیم به قسمت‌های بعدی. در آخرین قسمت این بحث يك نکته نیز بد نیست اضافه شود: می‌دانیم که هربرت اسپنسر (H. Spencer) از پدران جامعه‌شناسی است و در ربع آخر قرن ۱۹ از نفوذ و اعتباری کم‌نظیر برخوردار بود. آثارش جزء پرفروشترین کتاب‌ها بود، عقایدش وحی منزل تلقی می‌شد و کمتر کسی را جرئت آن بود که برگفته‌هایش انگشت گذارد. نیز می‌دانیم که شالوده‌کاخ تئوریک او قانون تنازع بقاء و بقای اصلح بود که او آن را حاکم برتطور تاریخی جوامع و انسانها می‌دانست. ولی حدود چند دهه پس از مرگش اسپنسر چنان فراموش شد که کسی را تصور آن در دوره حیاتش نبود. پارسنز کتاب معروف خود ساخت رفتار اجتماعی را، که شرحش به تفصیل خواهد آمد، با نقل این جملات از برنیتن (C. Brinton) شروع می‌کند: «اسپنسر را دیگر که می‌خواند؟... او مرد و قاتل او معبودش، اصل تکامل، بود.» ۲۱ آری او قربانی همان فلسفه‌ای شد که عمری در تبلیغ آن صرف کرد: او بقاء نیافت چون شایسته بقاء نبود. آیا تاریخ آبستن چنین سرنوشتی برای پارسنز نیست؟ به عقیده این دانشجوی بی‌مقدار، چرا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱۷. ر. ک:

M. Levy, *The Structure of Society*, Harvard University, 1949.

۱۸. ر. ک:

C. Drekmier, *Kinship and Community in Early India*, Staford University press, 1962

۱۹. ر. ک:

B. F. Hoselitz, *Sociological Aspects of Economic Growth*, Free Press, New York, 1960.

۲۰. ر. ک:

S. N. Eisenstadt, *From Generation to Generation*, Free Press, 1956.

۲۱. ر. ک:

T. Parsons, *The Structure of Social Action*, Free Press, Illinois 1937. P. 3.